

بررسی رابطه بین مناسب‌سازی محیط و عزت نفس افراد نابینا شهرستان شیراز

زینب جعفری

کارشناس نایب‌نایان استان فارس سازمان بهزیستی

مقدمه

شخص نابینا به دلیل نقص بینایی دارای مشکلات حرکتی بسیاری در سطح شهر می‌باشد که بخش اعظم آن به نامناسب بودن شرایط فضاهای شهری برمی‌گردد. وجود مشکلاتی از قبیل کندی حرکت، خطرات ناشی از حرکت و سیله نقلیه برای فرد پیاده، ایجاد خستگی مفرط در حرکت به دلیل عدم وجود خدمات رفاهی ضروری، مکان نادرست در سطح شهر رفت و آمد را برای افراد نابینا دشوار می‌کند (شیخ کاظم، محمد رضا، ۱۳۸۵)

انسان موجودی است که از ساحت‌های سه گانه جسمی و روحی و ذهنی برخوردار است. این ساحت‌ها مبانی زنده بودن (حیات جسمی) و زندگی انسان (حیات‌های ذهنی - روحی) تلقی می‌شوند. اگر چه زنده بودن و بقاء، خاص بوده و قائم به فرد است اما زندگی وجهی جمعی نیز داشته و در تعاملات اجتماعی نیز قرار دارد. (باقریان، محمد صابر و ملاک انصاری، ۱۳۸۵)

فرد معلول اگر در بستر و فضاهای اجتماعی و همگانی قرار نگیرد از زندگی بازمانده و در موضع آسیب‌های ذهنی - روحی واقع می‌شود. چنین امری ایجاب می‌کند که تقویت فضاها و عرصه‌های همگانی در جهت حضور معلولان در شهرها مورد توجه قرار گیرد تا علاوه بر تقویت توانای آنها در حوزه جسمانی و زمینه توانایی ذهنی و روحی آنان در نسبت با جامعه فراهم شود (باقریان، ملاک انصاری، ۱۳۸۵)

زندگی یعنی حرکت، حرکت در فضای امن و ایمن. شخص نابینا می‌تواند به طور مستقل حرکت کند، اما نمی‌تواند محیط را کنترل کند و این محیط است که او را کنترل می‌کند و جامعه بینا این محدودیت را به او تحمیل کرده است (شیخ کاظم، محمد رضا، ۱۳۸۵) در حال حاضر جمعیت نابینایان کشور به ۵۰۰۰۰ نفر می‌رسد که جمعیت قابل ملاحظه‌ای است. اما چرا وقتی در پارک‌ها و فضای عمومی هستیم آنها را نمی‌بینیم، چرا امروز فرد نابینا ترجیح داده که در خانه بنشیند؟ و پی‌آمد آن چیست؟ دغدغه این

پرسش‌ها نگارنده را که خود ناینایی است که سال‌ها در زندگی خود با مسائل مربوط به معلولیت دست و پنجه نرم کرده را بر آن داشت تا به نگارش این پژوهش بپردازد.

ابزار و روش پژوهش

از آنجا که نگارنده به طور رسمی در سمت‌های مختلف بهزیستی NGOهای مردمی از نزدیک شاهد مشکلات ناینایان بوده است بطور طبیعی در میدان پژوهش قرار گرفته است، بنابراین این پژوهش از نوع توصیفی (کیفی) مردم‌نگاری بوده و نمونه‌گیری آن براساس مطالعه موردی از نوع نمونه‌گیری هدفمند و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه مشاهده، مصاحبه با نوجوانان ناینای و خودنگاری نویسنده می‌باشد.

جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

در دوران نوجوانی مسئله معلولیت برای شخص معلول اهمیت می‌یابد و خود‌انگاری معلولیت شکل می‌گیرد. حال اگر معلولیت بعنوان معلولیت جسمانی و کاستی و نقص تعریف شود تصویر نامناسبی در ذهن نوجوانان نسبت به خود ساخته می‌شود که مخل عزت نفس او بوده و مانع بزرگی در راه جذب اجتماعی و موفقیت فردی اوست. اما اگر معلولیت بعنوان شرایط و نوع یا سبک زندگی تعریف شود که مانند هر سبک زندگی دیگر ویژگی‌های خاص خود را دارد، راه برای حضور و مشارکت اجتماعی فرد معلول هموار می‌شود. (الف ر. وان. ویرن، ۲۰۰۰)

هویت و عزت نفس معلول می‌تواند مستقل از بیماری و معلولیت آنها توسط خودشان ساخته شود. در واقع این تعاریف، نگرش‌ها و پیش‌داوری‌های اجتماعی و فرهنگی در خصوص معلولیت و ناتوانیست، که موانع اساسی در راه مشارکت اجتماعی افراد و زندگی مستقل افراد معلول ایجاد کرده و در نتیجه به عزت نفس آنها آسیب می‌رساند. (وان گی مورگامی، ۲۰۰۹)

همه نوجوانان ناینای که در این پژوهش شرکت داشتند بر این مسئله تأکید داشتند که نامناسب بودن فضای اطراف آنها بیش از هر چیز بر نگرانی آنها در مورد قضاوت دیگران در موردشان می‌افزاید.

یکی از نوجوانان کم‌بینا بیان می‌کرد، که در مدرسه خجالت می‌کشد که کسی دیگر دستش را بگیرد و حتی سعی می‌کند که تظاهر به این کند که می‌بیند و محیط اطراف خود را به ذهن بسپارد تا کمتر مجبور باشد از دیگران درخواست کمک کند و اینگونه، توانایی و استقلال خود را نشان دهد، اما با این کار فشار زیادی را متحمل می‌شود.

دختر نوجوان دیگری بیان می‌کرد، بدلیل اینکه از برخوردهای دیگر دانش‌آموزان می‌رنجد، تصمیم گرفته است که یک روز قبل از بازگشایی مدرسه با پدر و مادرش تمام محیط مدرسه و موانع حرکتی آن را بشناسد و حفظ کند، تا کمتر نیاز به کمک دیگران داشته باشد.

نوجوان ناینای دیگری می‌گفت که آنقدر به استقلال در حرکت نیاز دارد، که وقتی در مسیری که می‌شناسد با اطمینان حرکت می‌کند، احساس آرامش و ارزش می‌کند.

دختر ناینایی بیان می‌کرد که وقتی از دوستانش کمک می‌گرفته، به خاطر اینکه زیر منت آنها نباشد به آنها خدمات دیگری ارائه می‌داده است. مثلاً هر روز برای یکی از آنها ساندویچ می‌خریده تا احساس

آزاردهنده سربار کسی بودن را کاهش دهد.

دیگری می‌گفت وقتی از یکی ازدوستان بینایش که همیشه کمکش می‌کرده شنیده که می‌گفتند: فلانی به من محتاج است، تصمیم می‌گیرد که رنج عصای سفید و زمین خوردن‌ها را به جان بخرد. پسرنوجوان ناینایی بیان می‌کرد دلم می‌خواهد بادوستان بینایم بازی وشیطنت کنم، مانندآنها راه برم، بدوم، قدرت بدنی‌ام را نشان دهم، اما فکر اینکه نکند زمین بخورم و یا به چیزی بخورم وغرورم شکسته شود مرا به گوشه نشینی کشانده است.

در اینجا برای اینکه خواننده این پژوهش بتواند این مسئله را بهتر درک کند، نمونه‌ای از مشکلات به صورت خودنگاری نویسنده پژوهش بیان می‌شود:

هر روز که آغاز دیگری را تجربه می‌کنم به این می‌اندیشم که چگونه می‌توان برابری فرصت‌ها را در عمل معنا کرد. اگر می‌شد در کوچه و خیابان احساس امنیت نمود، اگر در محل کار، به راحتی می‌توانستم به کارتابل خود دسترسی داشته باشم و اگر، اگرهای دیگر چقدر زندگی زیباتر می‌شد. سعی و تلاشم بر این است که خود را توانمند سازم و با حضور بیشتر در اجتماع یاد آور این باشم که هستند کسانی که با داشتن معلولیت و محدودیت می‌خواهند ثابت کنند نوع نگرش به زندگیست که می‌تواند باور بودن، را به ما بیاموزد.

بنابراین مسئله نامناسب بودن فضا برای ناینایان نه تنها باعث آسیب جسمی به آن‌ها می‌شود بلکه تأسف بارتر از زخم‌های روی صورت و بدن آن‌ها چیزی است که در این پژوهش به چشم دیدیم و آن آسیب جدی است که به عزت نفس و خودپنداره آن‌ها وارد می‌شود، که بسیار دلخراش‌تر می‌نماید. چراکه همان‌طور که می‌دانیم خودانگاره فرد تحت تأثیر رفتار والدین و عوامل محیطی در فرد شکل می‌گیرد. (سینا، حمید، ۱۳۸۹)

نویسنده این مقاله اظهار می‌دارد مناسب‌سازی محیط برای رفت آمد معلولان عمدتاً به مسائل محیطی و مناسب‌سازی فضای شهری توجه داشته و به فهم رابطه میان مناسب‌سازی؛ و بهبود زیستن و نوع معلولیت کمتر پرداخته است. هدف این تحقیق ارائه فهم درستی از این رابطه است. دریافت صحیح رابطه فوق و مناسب‌سازی منطبق بر آن، می‌تواند مشکلات عمده فردی و اجتماعی افراد دارای معلولیت را برطرف سازد (بلاطیس، ۲۰۱۴)

از نظر مازلو نیاز به ایمنی جزء نیازهای پایه در هرم رشدی می‌باشد و تا وقتی این نیاز تأمین نشود انرژی فرد برای تأمین این نیاز در همین سطح باقی می‌ماند، و دستیابی به عزت نفس و که بالاترین سطح هرم است غیرممکن و یا بسیار سخت می‌شود. فقدان عزت نفس منجر به احساس حقارت، بی‌پناهی و دلسردی شده و برای اینکه از عهده مشکلات برآید فاقد اعتماد به نفس کافی است (نظریه‌های شخصیت، شولتز، دوان ترجمه یوسف کریمی ۱۳۸۶).

بر ساخت کلی و عزت نفس، محصول این واقعیت است که هر فرد انسانی، از فردیت و استقلال خود آگاه باشد. حال آنکه وجود موانع متعدد و بزرگ در محیط‌های مختلف و فقدان مناسب‌سازی‌های لازم، عمده استقلال فرد دارای معلولیت را از بین می‌برد و در نتیجه مانع شکل‌گیری فردیت یا خود شخص معلول می‌گردد. (وان گی مورگامی، ۲۰۰۹)

نتیجه‌گیری

نتایج مصاحبه‌های انجام پذیرفته با نوجوانان شهر شیراز و نیز بررسی تحقیقات انجام شده در سایر کشورهای جهان نشان می‌دهد به همان میزان که مناسب‌سازی بودن محیط اهمیت دارد، افزایش خودکارآمدی، عزت نفس و اعتماد به نفس فرد معلول نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. نتایج تحقیق (بلاطیس، ۲۰۱۴) نیز نشان داد میان نوع معلولیت و میزان دسترسی به امکانات حمل و نقل و میزان خودباوری و عزت نفس افراد دارای معلولیت رابطه قوی وجود دارد. هرچه افراد معلول بیشتر به وسایل حمل و نقل عمومی دسترسی داشته باشند و در واقع بتوانند به طور مستقل و امن در شهرهای بزرگ تحرک نمایند از عزت نفس بالاتری برخوردار می‌باشند و هر قدر افراد معلول از گزینه‌های متنوع‌تری برای جابجایی مستقل در شهرها برخوردار باشند، میزان کیفیت زندگی بهتری داشته و در نتیجه احساس خودانگاری مستحکم‌تری در آنها شکل می‌گیرد.

در این پژوهش سعی بر این بود که به مناسب‌سازی برای نابینایان نگاه تازه‌ای شود، برای یک فرد نابینا آنچه اهمیت دارد تنها ایمن کردن محیط پارک، ساختمان‌های ادارات و سازمان‌های دولتی نیست، بلکه وقت آن رسیده که عزت نفس فرد نابینا نیز مورد توجه قرار گیرد و تجربه نشان داده است که با حمایت و آموزش‌های لازم به فرد معلول، می‌توان چنان او را ساخت و عزت نفسش را افزایش داد که در خود، توان تسلط بر محیط را در خود بیابد و به جای اینکه تحت تأثیر محیط باشد خود کنترل‌کننده محیط اطراف شود.

منابع:

- ۱- سینا، حمید ۱۳۸۹، بررسی رابطه بین رفتارهای متفاوت والدین، عزت نفس فرزندان پیش دبستانی شهرستان مرودشت در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشکلات همایش ملی کودک و نوجوان در دانشگاه آزاد اسلامی واقع در مرودشت.
- ۲- شیخ کاظم، محمد رضا، ۱۳۸۵، توجه به نیازهای نابینایان در طراحی و مناسب‌سازی شهری، همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری، تهران، پژوهش کده مهندسی و علوم پزشکی جانبازان
- ۳- باقریان، محمد صابر، ملاک انصاری، ۱۳۸۵، فضایی در جهت حضور و توسعه اجتماعی فرهنگی معلولان، تهران، همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری
4. r. Van vuuren, april 2000, " aphenomenologicalunderstanding of self-esteem im physically disabled adolescents in an on-disabled environment ". Degree doctorate of philosophy en the faculty of humalities, university of pretoria.
5. Wangui murugami margaret, (2009) disability and identity (2016)
6. "influence of context in social participation of people with disabilities in brazile " revpanam salud publica 251
- 7- the relationship between access to transport tion well-being and type of disability " a supervised research project: (2014)